



## بررسی علل ضعیف بودن مهارت خواندن در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان

صومعه سرا

دکتر بهمن زندی، دکتر محمدرضا حمیدی زاده، علیرضا حسین پور

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی وضعیت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان صومعه سرا از نظر مسائل، مشکلات خواندن و یادگیری، کیفیت شیوه های تدریس و تأثیر آن بر توان مطالعه و یادگیری دانش آموزان، بررسی نوع سبک و راهبرد یادگیری دانش آموزان در خواندن و مطالعه و انجام تکالیف درسی و عوامل تهدیدکننده پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. تحقیق درباره هوش هیجانی و ارتباط بین راهبرد مطالعه و هوش دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آنان مورد دقت نظر قرار گرفته است جامعه پژوهش دبیرستان های پسرانه شهرستان صومعه سرا را شامل می شود این پژوهش از نوع توصیفی و روش زمینه یابی می باشد داده های این پژوهش از طریق پرسشنامه به دست آمده اند. پس از جمع آوری پرسشنامه های تکمیل شده توسط دبیران محترم و دانش آموزان از حوزه های مربوط به شیوه های تدریس و راهبرد های مطالعه و خواندن و هوش هیجانی، این داده ها از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد و نتایج بدست آمده بصورت جداول و نمودار ترسیم گردید از طریق آزمون مجذور K و ماحصل آن در آخر هر جدول که مربوط به حوزه خاص جهت تأیید یا رد فرضیه انجام گرفته مشخص گردید. همچنین در مورد راهبرد های مطلوب یادگیری و راهبرد های نامطلوب یادگیری ( بر اساس امتیاز کسب شده از پاسخ پرسشنامه ) و معدل تحصیلی آنان مقایسه انجام گرفت و در بحث هوش هیجانی نیز مقایسه بین امتیاز حاصل از هوش هیجانی و معدل تحصیلی دانش آموزان به عمل آمده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که ضعیف بودن مهارت خواندن و یادگیری دانش آموزان بر طبق فرضیه پیش بینی شده به دلیل اشکال در شیوه های تدریس مبنی بر تأکید معلمان به حفظ معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت و باز تولید فکری دانش آموزان، فقر آگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری مورد تأیید است و هوش هیجانی از عوامل اثرگذار بر مهارت مطالعه و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد و پیشنهاداتی برای رفع نواقص مکشوفه مطرح گردید که به شرح ذیل است:

- ۱- در انتخاب معلم و کیفیت آموزش معلم برنامه ریزی اصولی انجام گیرد
- ۲- در دوره های ضمن خدمت الگوها و متدهای نوین آموزشی، تربیتی به معلمان ارائه گردد.
- ۳- ساعتی را در برنامه های درسی مدارس با عنوان آشنایی با راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری اختصاص یابد.
- ۴- مسابقات فرهنگی با موضوع مهارت خواندن و یادگیری دانش آموزان بر پا گردد
- ۵- توسط دبیران و مشاوران محترم مدارس دانش آموزان ضعیف در امر تحصیل شناسایی و در مورد راهبرد مطالعه و یادگیری آنان تحقیق به عمل آمده و راهنمایی های لازم ارائه گردد.

**کلید واژه ها:** هوش هیجانی، راهبرد یادگیری، ضعیف خوانی، مهارت خواندن، خلاقیت شخصی  
(Reading skill، Reading weak)، Learning strategy، reading weak، emotional intelligence quick hook، personalcreativity



## مقدمه:

یکی از شرایط اصلی توفیق در جامعه امروزی بر خورداری از توانایی و مهارت خواندن است بخش اعظم اطلاعات از طریق این مهارت کسب می شود. در اهمیت خواندن همین بس، که نخستین بخش از دو بخش (سواد) است، چیزی که اگر کسی از آن بی بهره باشد به صفت کور موصوف می شود بدیهی است که کوری آدم بی سواد بیشتر به سبب نداشتن مهارت خواندن است تا نوشتن.

طوسی به نقل از آدلر می گوید: مطالعه یا مهارت خواندن، جریانی است که فکر بدون کمک منابع خارجی، با تمرکز روی مطالب با استفاده از نیروی خویش سبب ارتقاء شود اعمال مختلف ماهرانه ای که باعث این ارتقاء می شود هنر مطالعه یا مهارت خواندن را تشکیل می دهد. (مهارت های مطالعه؛ طوسی. مشهد ۱۳۸۲ ص ۱۰)

## بین خواندن<sup>۱</sup> و مطالعه<sup>۲</sup> تفاوت هایی وجود دارد:

در دایره المعارف کتاب جهانی، خواندن عبارت است از: توانایی درک و فهم کلمات نوشتاری و چاپی است. ابزار عمده کسب دانش و یکی از مهمترین مهارت های زندگی هر شخص می باشد از طریق خواندن می توان عقاید و اندیشه های جدید کسب کرد و علاوه بر اطلاعات مورد نیاز به لذت شخصی و گسترش عقاید و معلومات دست یافت.

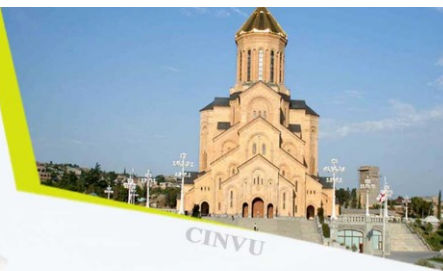
یکی از محدود جنبه های مشهود خواندن حرکت چشم در عرض صفحه چاپی است. حرکات چشم به هنگام خواندن همچون زمانی که به جسمی که به آرامی در حال حرکت است نگاه کنیم آرام و یکنواخت نیست بلکه مجموعه ای از جهش ها در عرض خط چاپی است این حرکات، جهش و فواصل زمانی که چشم در آن به استراحت می پردازد تثبیت نامیده می شود حرکات چشم در خواندن مشابه حرکات چشم در نگاه کردن به اشیاء مختلف در یک اتاق است که در آن چشم از یک نقطه به نقطه دیگر می جهد. (الیس و بیٹی، ۱۹۸۶)

هر جهش بسیار سریع است، فقط چند هزارم ثانیه زمان می گیرد و معمولاً حدود هفت حرف را در یک خط در بر می گیرد. (جاست و کارپنتر، ۱۹۸۷) چشم اساساً در زمان جهش کور است. بیشتر اطلاعات در دوران تثبیت، پردازش می شوند که بیش از نود درصد کل زمان خواندن را به خود اختصاص می دهد. (جاست و کارپنتر، ۱۹۸۷) در خواندن معمولی تقریباً روی هر کلمه محتوایی (اسم، فعل، صفت و غیره) یک بار تثبیت انجام می گیرد. وقتی به خوانندگان، متون متناسب با توانایی ایشان در خواندن داده شود به طور متوسط در هر تثبیت ۱/۲ کلمه را می خوانند کلماتی که بر روی آنها تثبیت انجام نمی گیرد معمولاً کلمات کوتاه هستند.

وقتی خوانندگان ماهر با متون ساده، مانند داستان رو به رو می شوند معمولاً کلمات بیشتری را جهش وار رد می کنند البته در متون دشوار بازگشت های بسیاری وجود دارد که در آن چشم ها به کلمات قبلی باز می گردد. برای

<sup>1</sup> Reading

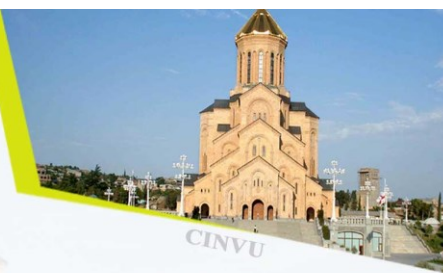
<sup>2</sup> Study



مثال، در جریان تلاش فرد برای درک معنای کلمات نا مأنوس، چشم مکرراً به کلمات مزبور ثابت می ماند. (جاست و کارپنتر، ۱۹۸۷) و اما **مطالعه** یک فرآیند هدفدار است که روش خاص خود را دارد با توجه به اینکه یادگیری عملی آگاهانه است و برای انجام دادن هر عمل آگاهانه، داشتن انگیزه اساسی ترین است بنابراین مطالعه کننده و خواننده باید از انگیزه ای قوی برخوردار باشد قوی و واقعی شدن انگیزه مطالعه و خواندن، عمل یادگیری را سرعت و جهت می بخشد همچنین آشنایی با شیوه های صحیح خواندن و نیز داشتن هدف مشخص در خواندن موجب افزایش یادگیری خواهد شد بنابراین پیش از هر چیز باید ضرورت نیاز به مطالعه کردن و خواندن را حس کنیم افرادی که هدف خواندن را نمی دانند دیری نمی پاید که آنچه را بدون انگیزه و با زور به ذهن سپرده اند به فراموشی سپرده می شوند

### دلایل انگیزه های خواندن و مطالعه عبارت است از:

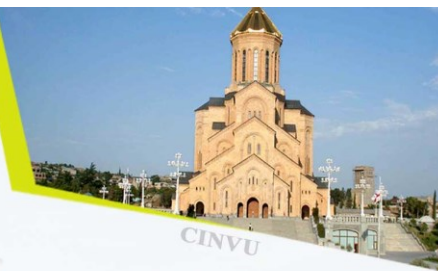
- ۱- برای دستیابی به اطلاعات روز آمد و جاری
  - ۲- برای جوابگویی به خواست ها و تقاضای معلمان و مربیان و غیره
  - ۳- برای انجام دادن وظیفه
  - ۴- برای موفقیت در امتحانات و پیشرفت تحصیلی
  - ۵- پر کردن اوقات فراغت
  - ۶- برای افزایش آگاهی و دانش در حوزه علمی
  - ۷- برای نیاز های ذهنی
  - ۸- برای ارضاء و تسکین نیازهای روحی
  - ۹- برای توسعه مهارت های شغلی و حرفه ای
  - ۱۰- برای اصلاح خود و نفس خویش
  - ۱۱- برای رهایی از احساس حقارت و کم بینی و افزایش اعتماد به نفس
- آنچه خواننده می خواند و میزان مطالعه، به دنیای درون او تأثیر می گذارد اگر این دنیا غنی باشد مطالعه و خواندن او با ارزش تر خواهد بود و اگر فقیر باشد قابلیت تجزیه و تحلیل مطالب در او ضعیف خواهد بود.
- هدف مطالعه ارتباط دادن مطالب جدید با مطالبی است که از قبل در ذهن فرد وجود دارد و آگاهی دارد اگر فرد راجع به موضوع پیش زمینه ای نداشته باشد و نخواهد آن را در ذهن خود جای دهد مثل این است که بخواند آب را در دستان خود نگه دارد این کار غیر ممکن است و به زودی مطالب از ذهن خارج خواهند شد.



هر چه ادراک و دریافت بهتر باشد یادگیری و یادآوری مطالب نیز آسان تر می شود برای درک بهتر باید هدف و انگیزه داشت لذا مطالعه بدون هدف و پیش زمینه همچون گردابی است که فرد را در خود گرفتار می کند و به زودی از آن دچار خستگی شده و انگیزه خود را از دست خواهد داد.

بسط و گسترش مهارت های خواندن نکته ای بسیار مهم در خواندن و یادگیری است لذا از سال های چهارم و پنجم دبستان و به ویژه از دوره راهنمایی به بعد فعالیت خواندن که تاکنون بیشتر به محور خواندن قصه و داستان، با محتواها و مفاهیم معمولی دور می زد ارتقاء پیدا می کند و به خواندن نوشته هایی با محتوای مشکل و سخت تغییر جهت می دهد تا از این طریق دانش آموزان با ایده ها و اندیشه های تازه آشنا شوند در این مرحله است که باید به خاموش خوانی و بهتر بگوییم به مهارت « مطالعه به منظور درک مطلب » بیش از گذشته اهمیت داد. این تغییر رویکرد از « یاد گرفتن برای خواندن » به « خواندن برای یاد گرفتن » فوق العاده مهم است زیرا از این پس دانش آموز ناگزیر است از

مهارت های خواندن، برای درک واقعیت ها و مفاهیم درس هایی چون مطالعات اجتماعی، علمی، فرهنگی، علوم تجربی، فلسفی روانشناسی و سایر موضوعات درسی استفاده کند پیش گرفتن این خط مشی جدید برای پاره ای دانش آموزان مشکل است حتی احتمال می رود موجب شود که سرعت خواندن آنها نسبت به سال های پیش افت کند این جاست که باید به اهمیت « درک مطلب » بیش از پیش توجه شود. صاحب نظرانی که به درک مطلب اهمیت می دهند آن را به مثابه « مجموعه ای از مهارت های فرعی خواندن » می دانند. مهارت هایی مثل استخراج معنای لغت از متن، فهمیدن هدف اصلی متن و استنباط از متن یعنی نتیجه گیری هایی که به صراحت در متن پیاده نشده اند و بالاخره متمایز شدن نظر از عمل یا تئوری از واقعیت. چنین برآورد شده است که مهارت خواندن خود شامل حدود ۳۵۰ نوع مهارت فرعی است که باید در سال های ابتدایی آموزش داده شوند. صاحب نظران می گویند هدایت چنین برنامه ای به ویژه اعمال مدیریت بر چگونگی تهیه تمرین های مناسب برای هر فعالیت و مهارت، فراهم گشته و بر آموزش تک تک این مهارتها اصرار شود لذا این موارد در درک مطلب دانش آموز برای پرورش توانایی های عمومی او، و نه برای مهارتهای خاص تأکید می کنند و موجب توسعه مفاهیم و واژگان و در نهایت، رشد توانایی های عقلی و منطقی دانش آموز می شود و همین است معنای « متمایز شدن نظر از عمل » که در بالا به آن اشاره کردیم. پس از دوره راهنمایی، دوره دبیرستان یا دانشگاه، متن ها و نوشته های انتزاعی تا حدی مبهم می شوند علاوه بر این است که بیش از پیش واژه های فنی و تخصصی بدانها راه می یابند. این جاست که دانشجو نه تنها باید اطلاعات و دانستنی های تازه ای را از متن به دست آورد بلکه هم چنین باید ضمن تحلیل انتقادی متن، از سرعت مناسب خواندن نیز به تناسب مشکل بودن متن ها و هدف های آن برخوردار باشد. گذراندن آموزش های مناسب و اصولی در مراحل پیش، سبب می شود دانش آموزان در این مرحله با مشکل متری رو به رو شوند مطالعه



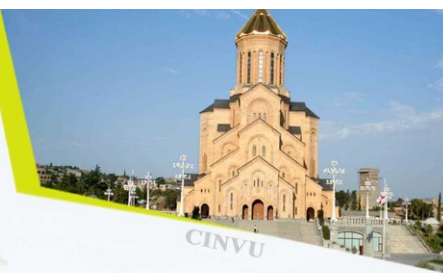
لغت یا لغت خوانی و مطالعه مستمر در متون علمی و غیره راهی است که دانشجویان و دانش آموزان سطوح بالاتر می توانند از طریق آن مهارت های عالی خواندن را در خود تقویت کنند راهکارهای مناسب این کار عبارتند از استفاده از فرهنگ های لغت و مجموعه ها، تجزیه لغات و مفاهیم علمی و نیز تلاش در درک معنی واژه ها و مفاهیم از خلال متن، آنان باید همچنین با توجه خاصی که به کلمات و لغات جدید می کنند، دایره واژگانی خود را توسعه دهند.

بنابراین، این تحقیق در بررسی و تحلیل مهارت های خواندن و علل و عوامل اشکال این مهارت در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان صومعه سرا که سبب اشکال در پیشرفت تحصیلی آنان و بعضاً منجر به رکود تحصیلی در میان برخی از دانش آموزان شده است انجام می شود.

اغلب دانش آموزان با خود گفته اند کاش می شد با یک بار خواندن، مطلب را می فهمیدیم و آن را فراموش نمی کردیم. مطالعه از شیوه های یادگیری کلامی می باشد که در کنار شکل گفتاری قرار دارد. هریک از این دو شیوه، مهمترین شیوه های کسب و انتقال اطلاعات به حافظه می باشند که حس شنوایی در شکل گفتاری و حس بینایی در شکل نوشتاری یادگیری کلامی، امر کسب اطلاعات را به عهده دارند. بر اساس بررسی های به عمل آمده، بیشترین بازدهی در مطالعه بر مبنای یادداشت برداری حاصل می شود. روش عادی مطالعه که هیچ کدام از ابزار کمک آموزشی و سیستم های یادداشت برداری را به کار نمی گیرد بیشتر از بیست درصد بازدهی در پی ندارد. یادداشت برداری بر اساس استخراج و چگونگی تنظیم نکات کلیدی بازدهی زیادی به دنبال دارد. تنظیم نکات کلیدی به دو شیوه انجام می گیرد: خطی و شبکه ای. مطالعه خطی حدود ۶۰ درصد بازدهی را امکان پذیر می سازد، در صورتی که از مطالعه به شیوه شبکه ای می توان حدود صد در صد بازدهی را انتظار داشت.

دانش آموزان موفق در تحصیل بیشتر از راهبردهای سازماندهی، نظارت بر درک مطلب، سطح بالا و خود نظم دهی استفاده می نمایند و دانش آموزان ناموفق از راهبردهای مرور ذهنی، بسط دهی و سطح پایین استفاده می کنند در استفاده از هر یک از این راهبردها بین دانش آموزان با والدین تحصیل کرده و تحصیل نکرده تفاوتی مشاهده نمی گردد و تنها تفاوت بین دو گروه دانش آموزان با مادران تحصیل کرده و تحصیل نکرده مشاهده شده است.

هسته اصلی فرایند تدریس ترتیب دادن محیط هایی است که در آن شاگردان بتوانند تعامل کنند نحوه مطالعه و یادگیری را بررسی نمایند. ( دیویی، ۱۹۱۶ ) یک الگوی تدریس را که توصیف یک محیط یادگیری است و وصف می نماید لذا الگوی تدریس را ابزار یادگیری می داند ما در حالی که با شاگردان در کسب اطلاعات، نظرات، مهارت ها، راههای تفکر و ابزار، ابراز نظر خود کمک می کنیم به آنان همچنین نحوه مطالعه و یادگیری را درس می دهیم.



نوع تدریس اثر بسیاری بر توانایی های شاگردان در کسب مهارت ها دارد. معلمان موفق تنها ارائه دهندگان دانش نیستند بلکه آنان شاگردان خود را به تکالیف سالم شناختی و اجتماعی وادار کرده و به آنان نحوه استفاده مؤثر از آنها را یاد می دهند.

علیرغم مطالعات زیادی که در مورد قدرت مغز انسان انجام شده است هنوز مطالب بسیار زیادی وجود دارد که باید کشف شود. می دانیم مغز انسان از دو نیمکره تشکیل یافته است که روی قسمت های مختلف هر نیمکره نقاطی وجود دارد که هر کدام کار معینی انجام می دهند گفته می شود کارهایی مانند مطالعه و نویسندگی، تجزیه و تحلیل و سخن مربوط به نیمکره چپ بوده و کارهای عملی و فنی و هنری، درک موسیقی و شناسایی افراد و نظیر آن مربوط به نیمکره راست است. در هر حال باید یک هماهنگی کلی و سریع میان دو نیمکره انجام شود زیرا عمل مطالعه و خواندن را گفته می شود که در نیمکره چپ مغز انجام می گیرد یعنی اطلاعاتی را که چشم می بیند و ارتباطاتی را که میان نمادها<sup>۲</sup> نوشتنی و مفاهیم آنها برقرار می سازد به سرعت به نیمکره چپ منتقل می سازد و پس از انجام فرآیند مربوط که در طول زمانی بسیار کوتاه انجام می شود ماحصل را به نیمکره سمت راست برای ادراک کامل و در یافت مفهوم آن منتقل می سازد.

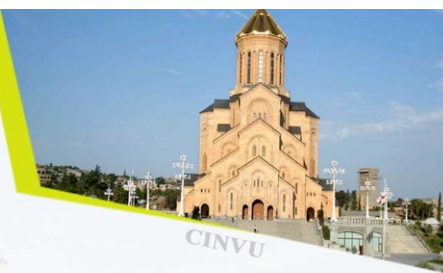
امکان دارد بر اساس نحوه تعلیماتی که در زمان کودکی برای خواندن به ما داده شده و طبق عادات خواندن ( یعنی فرا گرفتن عمل خواندن ) که در ما ایجاد گردیده است این فرآیند به تندی صورت گیرد ولی به طور مسلم می توانیم با تمرین و دقت و تمرکز روی موضوعات مورد مطالعه این عمل را صدها بار سریعتر کنیم و با توجه به نکات اساسی مطلب مورد مطالعه و تنظیم طرز نگاه خود و اخذ سریع مفاهیم کلمات و عباراتی که بدیهی است میزان درک خود از مطلب را نیز افزایش دهیم.

طوسی به نقل از چستین و تونی بوزان می گوید: طی تحقیقی مشخص ساختند که از نظر فیزیولوژی عصب شناسی، مغز انسان تنها موجودی است که قادر به فراگیری زبان بوده و دارای حافظه ای است که قادر است وقایع مختلف را تجربه کند، حفظ کند و در مواقع لزوم به کار ببرد و همچنین سیستم عصبی و مغز انسان فراگیری مهارت های مختلف و فعالیت های گوناگون، عکس العمل های لازم در شرایطی مختلف و صدها هزار مهارت دیگر را امکان پذیر می سازد. از مهمترین این مهارت ها، درک شنیداری، توانایی سخت گفتن و در مراحل بالاتر توانایی اخذ معنی از نمادهای نوشتنی و همچنین نوشتن را که به دو فرآیند رمز گشایی از علائم نوشتنی و رمز نویسی صدها و کلمات می باشد فرا گیرد.

در مورد توانایی ها و قدرت مغز انسان تنها در صد و پنجاه سال اخیر بوده که پیشرفت هایی در مورد درک انسان از نحوه کار مغز خودش حاصل شده و حتی این پیشرفت ها نشان داده که هنوز مقدار بسیار جزئی از آنچه باید شناخته و دانسته شود معلوم شده است. در حال حاضر علیرغم اینکه قسمت های گوناگون مغز را شناخته ایم،



Kour University  
Department of Education Sciences and Lifestyle



آگاهی زیادی درباره چگونگی تغییرات مواد شیمیایی در درون مغز به دست آورده ایم RNA & DNA را کشف کرده و نتایج بعضی از آزمایش های تجربی را تحت شرایط محدود می دانیم. هنوز در ابتدای راه تلاش برای یافتن پاسخ درستی برای این پروژه پیچیده ترین پرسشی هستیم که تا به حال در جستجوی آن بوده ایم.

به محض آنکه فکر می کنیم نقاطی را که فعالیت هایی نظیر تفکر، یادآوری و سخن گفتن که بر آنها قرار دارد یافته ایم وضعیتی پیش می آید که ثابت می کند به هیچ وجه نمی توان به درستی این یافته ها اطمینان داشت. به مجرد اینکه به نظر می رسد آزمایشات ما به اثبات رسیده اند که مغز به طریقی معین کار می کند، آزمایشات دیگری ثابت می کند که به هیچ وجه به آن طریق عمل نمی نماید، و یا فرد دیگری با مغزی پیدا می شود که نتایج آزمایش های ما را بی معنی می سازد. حاصلی که از تلاش های فعلی ما به دست می آید درک این واقعیت است که مغز انسان بی نهایت تواناتر از آن است که تا به حال کشف شده است و همچنین آن چیزی که اصطلاحاً ذهن نرمال نامیده می شود در واقع دارای قدرت بسیار فراوان تر و پتانسیلی بیشتر از آنچه تا به حال تصور می رفت می باشد اخیراً دکتر دیوید سامونلز در مؤسسه وایزمن تخمین زده است که در هر مغز متوسط، بین صد هزار تا یک میلیون مواد شیمیایی گوناگون در حال عملکرد می باشند. قدرت مغز انسان و قدرت یادگیری او بی نهایت است ولی انسان با قید و بند هایی که در اطراف خود به وجود آورده به مقدار زیادی کارآیی و توانش های نامحدود وجودی خود را محدود و مختل کرده است.<sup>۴</sup> طبق تئوری شناختی، مغز انسان در فرآیند پیچیده فراگیری نقش اول را بازی می کند و نمی توان کار فراگیری را فقط منحصر کرد به یک عمل مکانیکی صرف و تکه ای بدون ادراک دانست به علاوه یادگیری وقتی مفهوم واقعی خود را پیدا می کند که معنی دار باشد و به یافته های قلبی و سایر مطالب مربوط ارتباط داده شود در غیر این صورت طوطی وار حفظ کردن چندان پایدار نبوده و دارای مفهوم عملی و کارساز و مؤثر نخواهد بود.

کنت چستین بیان می کند که روانشناسی رفتاری همه فرآیندهای فراگیری را عبارت از به دست آوردن رفتارهای تازه ای به وسیله شرطی شدن و تقویت می داند بنابراین رفتار گرایان، یادگیری را فرآیندی تحت تأثیر نیروهای خارج وجود انسان می دانند. ولی نظریه شناختگرایی با این طریق فراگیری موافق نیست. کلمه شناختی مبین فعالیت ذهنی و فرآیندهای ذهنی می باشد روانشناسان پیرو این نظریه تأکید خاصی بر نقش مغز در فراگیری مطالب جدید دارند اینان معتقدند که یادگیری اساساً به خود فرا گیرنده مربوط می شود و نه محیط اطراف او. در این نظریه بیش از هر چیز بر ادراک، تجربه و طبقه بندی یافته ها تأکید می شود. اینان معتقدند که مغز انسان منفعل نیست که به وسیله نیروهای خارجی شکل پذیر باشد بلکه عاملی است فعال و مصمم در دریافت و ذخیره کردن دانش ها. این طرز تلقی از یادگیری را یادگیری شناختی می نامیم در یادگیری شناختی، مغز مطالب فراگیری شده را بررسی، تنظیم و طبقه بندی می کند برای اینکه حداکثر بهره گیری از این بررسی و تنظیم انجام شود لازم است



مطالب به صورت معنی داری فرا گرفته شوند این بدان معنا است که مغز انسان، اطلاعات را به صورت قطعات معنی دار دسته بندی کرده، به اطلاعات قبلی موجود در ساختار و شبکه شناختی فرد ربط داده و پیوند می زند و سپس آن را برای کاربردهای آتی ذخیره می نماید.

در حقیقت ارتباط معنی دار و یادگیری مفهوم دار، فراگیری را تقویت می کند به این معنی نیست که حفظ کردن مطالب مختلف غیر ممکن است بلکه به این معنی است که حفظ کردن صرف مطالب کمتر مؤثر بوده و بازدیدی کمتری دارد.

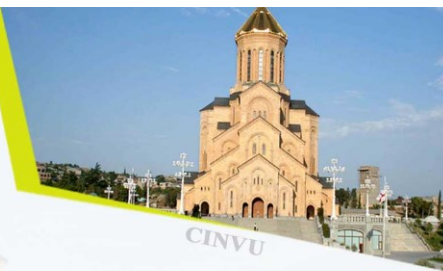
در تحقیقی که توسط (لی یون، ۱۹۹۵) و (کرک و همکاران، ۱۹۷۵) انجام گرفت مشخص شد که بیشتر دانش آموزان ناتوان در یادگیری (حداقل ۸۰ درصد) با مشکلاتی در حوزه خواندن مواجه بودند ضعف در مهارت خواندن معمولاً منجر به مشکلات دیگری می شود این گونه دانش آموزان در مراحل بعدی فرصت های استخدامی را از دست می دهند در مطالعه دیگر که توسط (وانگر و همکاران، ۱۹۹۶) انجام گرفت به این موضوع اشاره شده که تقریباً بیشتر این دانش آموزان به خاطر عملکردهای مدرسه ای ضعیف از مدرسه خارج می شوند لذا دنیای امروز، یک دنیای ماشینی و با تکنولوژی بالا است و نیاز به افرادی دارد که در سطوح بالای آموزشی قرار دارند مهارت خواندن یک ابزار کلیدی برای فراگیری علم، بازآموزی در حوزه شغلی و همین طور برای حفظ شغل است به هر حال ضعیف بودن مهارت خواندن مشکل عمده ای برای دانش آموزان ناتوان در یادگیری است. ناتوانی خواندن پیامدهای بسیار جدی در مورد پیشرفت تحصیلی، استخدام و موفقیت در زندگی دارد. ضعیف بودن مهارت خواندن با نقص در توانایی برای شناخت واژه ها، خواندن کند و نادرست و فهم ضعیف مطالب و فراموشی مطالب خوانده شده در کوتاه زمان مشخص می شود.

(کاپلان و سادوک، ۱۳۷۵) در تحقیقی نشان دادند که اکثر دانش آموزان مبتلا به ضعف مهارت خواندن که آموزشهای کمکی دریافت نمی کنند ممکن است از شکست مستمر و یاس ناشی از آن دچار شرم و تحقیر شوند با گذشت زمان این احساس ها عمیق تر می گردند و دانش آموزان در بزرگسالی ممکن است خشم یا افسردگی پیدا کنند و اعتماد به نفس پایین نشان دهند.

در یک تحقیق ادبی که در سال ۱۹۹۳ برای ۱۴ میلیون بزرگسال صورت گرفت مشخص شد که اگر چه بیشتر این جامعه آماری تحصیلات دوره متوسطه را به پایان برده بودند ۹۶ درصد آنان توانایی خواندن، نوشتن کامل برای ورود به تحصیلات دانشگاهی را نداشتند.

صرف نظر از این نکته، ۲۵ درصد از آنان به طور آشکار توانایی خواندن نداشتند اگر چه بعضی گفته اند این آمار مبالغه آمیز بوده است با این وجود این تحقیق می تواند هشدار برای مشکلات خواندن در کودکان باشد مشکلات خواندن می تواند توسط تعدادی از علائم مانند: خواندن جای جای حروف یا کلمه، از قلم انداختن حروف



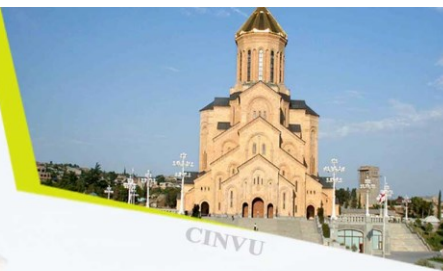


یا از دست دادن جای حروف، عدم روان خوانی یا نادرست خوانی، مشکل در یادآوری مطالب خوانده شده یا خواندن همراه با ضعیف بودن درک و فهم مطالب مشخص شود. اما بیشتر این مشکلات اگر علت آنها شناخته شوند قابل حل هستند.

جاست و کارپنتر، در سال ۱۹۸۷ الگوی مفیدی را برای نشان دادن فرآیندهای مهم شناختی که در خواندن وجود دارد طراحی کردند در این الگو نشان داده شد که فعالیت های مهم خواندن مانند سایر فرآیندهای شناختی در حافظه کاری اتفاق می افتد از دیدگاه جاست و کارپنتر اطلاعات ورودی و دانش قبلی در حافظه کاری در تعامل با یکدیگرند و در همدیگر تأثیر می گذارند. از یک سو طرح های موجود ذهنی بر اطلاعات ورودی و نحوه ورود (یعنی نحوه خواندن آنها تأثیر می گذارد و از سویی دیگر دانش موجود با ورود اطلاعات جدید اصلاح می شود و تغییر می کند. همانند همه فعالیت های شناختی، خواندن یک فرآیند پویای تعاملی است. معنایی که دانش آموز از طریق خواندن به دست می آورد تحت تأثیر محتوا، دانش قبلی و هدف از خواندن است گارنر در سال ۱۹۸۷ متذکر شد که برای خواندن مؤثر، خواننده باید توجه خود را به طور کامل به خواندن معطوف کند ما همه از تأثیر حواس پرتی آگاه هستیم موقعی که کسی با ما صحبت می کند و توجه ما منحرف می شود، یا زمانی که ما را خواب فرا می گیرد از درک آنچه می خوانیم عاجز می مانیم.

نکته ظریف تر ولی مهم تر دیگری نیز در مورد خواندن وجود دارد. موقعی که ما متنی را می خوانیم ممکن است توجهمان به بی نهایت مسائل گوناگون جلب شود. خود کلمات، مفاهیم ذریبط با متن خواندنی و احساسات خود ما. این فرآیندهای شناختی تا حد زیادی تعیین کننده مطلبی است که ما یاد می گیریم از تعداد زیادی محرک که می توانیم به آنها توجه کنیم. فقط چند مورد را انتخاب می کنیم ما بزرگسالان معمولاً به معنا و عصاره پیام تمرکز می کنیم در واقع ما معمولاً آگاهی خاصی از خصوصیات جانبی نداریم و حتی به آحاد حروف و کلماتی که می خوانیم توجه نداریم معمولاً توجه ما به خصوصیات متمرکز می شود که ممکن است در فهم متن خواندنی به ما کمک کند.

هالپین، کلور و هاروی در سال ۱۹۸۵ و اسمیت در سال ۱۹۸۸ نشان دادند که ظرفیت حافظه کاری ما برای پردازش اطلاعات ورودی بسیار محدود است توجه انسان ممکن است از یک خصوصیت متن به خصوصیت دیگر آن معطوف شود ولی حجم زیاد اطلاعات را نمی توان به طور همزمان پردازش کرد. ظرفیت محدود حافظه کاری اغلب برای اطلاعات ورودی تنگنا می آفریند. بسیاری از مشکلات خواندن ناشی از کمبود توجه است. مانند، زمانی که دانش آموزان وقت کافی برای خواندن صرف نمی کنند و یا در وضعیت حواسپرتی به مطالعه می پردازند چنین مشکلاتی را اغلب می توان به صورت بسیار مؤثری از طریق به کارگیری روشهای خود مدیری رفتار، جبران کرد. مشکلات دیگر زمانی پدید



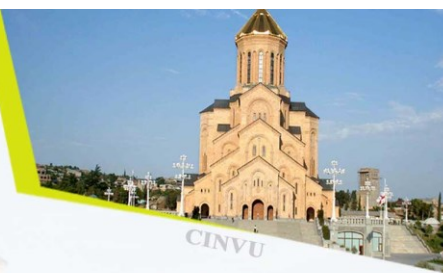
می آید که دانش آموزان سرگرم خواندن هستند، ولی فرآیند های خواندن در ایشان به سمت نادرست هدایت شده است و یا مؤثر نیست راهبردهای انتخابی ایشان برای خواندن ممکن است برای اهداف ایشان مناسب نباشد خواندن به منظور آماده شدن برای سخنرانی یا برای بحث در کلاس یا آماده شدن برای امتحان در مقایسه با خواندن داستان مورد علاقه در حالی که در اتوبوس نشسته اید کاملاً شکل متفاوتی از توجه را لازم دارد.

اسمیت در سال ۱۹۸۸ نشان داد که فرآیندهای شناختی موجود در خواندن را می توان به دو مرحله رمزگشایی و فهم تقسیم کرد لذا به دست آوردن معنای تک تک کلمات ( که بر اساس الگوی جاست و کارپنتر، تشخیص خصوصیات ظاهری کلمات و نسبت دادن معنا بدان هاست ) رمزگشایی نامیده می شود. دومین مرحله خواندن یا فهم به فرآیندی اشاره دارد که خواننده طی آن به درک کلی محتوا نایل می گردد.

رمزگشایی موقعی اتفاق می افتد که خواننده از روی آگاهی، توجه خود را به کلمات خاص معطوف می دارد که البته پس از تمرین بسیار ممکن است خود به خود رخ دهد برای مثال، شما احتمالاً در جمله قبلی به کلمه تمرین توقف نکردید تا آن را رمزگشایی کنید و خود به خود صورت گرفته است به گفته سامونلز ( ۱۹۸۹ ) زمانی که فرد متون نسبتاً آشنا را با مهارت می خواند رمزگشایی به طور خود به خود انجام می گیرد ( جاست و کارپنتر ) در حالی که توجه خواننده به سمت فهم مطلب خواندنی معطوف است از دید او این فرآیند تا حدی شبیه کار یک موسیقیدان ماهر است که می تواند به جنبه های گویای موسیقی به جای تک تک نتها تمرکز کند. البته اگر خواننده با یک کلمه ی ناآشنا روبرو گردد و یا مواد خواندنی دشوار باشد رمزگشایی به طور خود به خود انجام نمی پذیرد. در این وضعیت رمزگشایی ذهن خواننده را مشغول می سازد ما ممکن است خودمان کلمه ی دشواری را برای خود مطرح کنیم و آن را با صدا بخوانیم تا رمزگشایی آن انجام گیرد.

سهولت در رمزگشایی برای کسی که در صدد یادگیری خواندن و فهم متون است مهارت مهمی است که باید پرورش یابد کسانی که در خواندن مهارت ندارند باید یاد بگیرند که چگونه صور مختلف حروف، هجاها و کلمات را به طور خود به خود تشخیص دهند ( پالینکسار، براون و مارتین، ۱۹۸۷ ) زمانی که پردازش حروف، هجاها و کلمات به طور خود به خود انجام گرفت خوانندگان می توانند توجه خود را به فهم کلی متن متمرکز کنند. در مورد خوانندگان کم مهارت که مجبورند بیشترین توجه خود را صرف رمزگشایی کلمات کنند فهم دشوارتر است و احتمال درک ضعیف تر می شود. ( هدلی و هیگس، ۱۹۸۸، سامونلز، ۱۹۸۸ )

هریس و سایپی، بیان می کنند که با ادامه تحصیلات دانش آموزان در دوره دبیرستان و ورود ایشان به بزرگسالی، انتظاراتی که از ایشان در زمینه توان مطالعه وجود دارد پیچیده تر می شود یک انتظار ویژه و مهم از ایشان، افزایش سرعت مطالعه و انعطاف پذیری آن است یعنی دانش آموزان باید بیاموزند که سرعت خواندن خود را متناسب با تکالیف خواندنی مختلف تغییر دهند.



هریس و سایبی چهار نوع سرعت خواندن را متناسب با اهداف مختلف پیشنهاد می کنند. خواندن سطحی، تندخوانی، خواندن عادی و خواندن با دقت.

**خواندن سطحی:** برای یافتن مراجع و به دست آوردن نکات مهم یک مقاله است.  
**تندخوانی:** برای دوباره خوانی مطالب آشنا و به منظور جمع آوری اطلاعات برای مصارف موقت مناسب دارد.

**خواندن عادی:** برای یافتن پاسخ به سئوالات، توجه به جزئیات و مرتبط ساختن آنها با مفاهیم اصلی مناسب دارد.

**خواندن با دقت:** برای درک عمیق محتوا، خواندن شعر و یادگیری به ترتیب جزئیات مناسب دارد. هریس مدعی است که انعطاف پذیری را می توان آموزش داد ولی اغلب افراد در خواندن انعطاف ندارند. هریس می گوید اکثریت خوانندگان که حدود دوازده کلاس درس خوانده اند ۲۰۰ کلمه را در یک دقیقه می خوانند که به آن، آرام خوانی یا خواندن آرام می گویند ولی در این زمینه طیفی از تفاوت های فردی وجود دارد. جالب توجه است که سرعت خواندن در خواندن آرام برابر است با همان سرعتی که فرد می تواند سخن دیگران را بشنود و بفهمد. همان گونه که قبلاً متذکر شدیم به نظر می رسد عامل تعیین کننده در فهم متن به جای فعالیت فیزیکی خواندن، نحوه پردازش اطلاعات است.

با توجه نکات فوق فرضیه های زیر مورد آزمون قرار گرفته اند

- ۱- اشکال در مهارت خواندن به دلیل تأکید بر حفظ و اندوختن معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت شخصی و باز تولید فکری دانش آموزان است.
- ۲- ضعیف مهارت خواندن و مطالعه به دلیل فقر آگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری در دانش آموزان است.
- ۳- ضعیف خوانی و مشکل یادگیری ناشی از هوش هیجانی پایین است.

روش:

پژوهش حاضر به روش زمینه یابی انجام گرفته است و روش گردآوری داده ها در این تحقیق با استفاده از شیوه نمونه گیری با تعیین حجم نمونه برای گروه نمونه مورد پژوهش مشخص گردیده در حالی که ابزار گردآوری داده مشاهده، پرسشنامه و کتابخانه ای است.



کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان صومعه سرا می باشند که از اول متوسطه تا پیش دانشگاهی در سال تحصیلی ۸۸ - ۸۷ در دبیرستان های این شهرستان مشغول به تحصیل بوده اند. علاوه بر آن از جامعه آماری هشتاد نفر از دبیران دروس نظری مانند ادبیات، معارف اسلامی، زیست شناسی، فلسفه و منطق، تاریخ و جغرافیا، اقتصاد و علوم اجتماعی در نظر گرفته شده اند.

روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری طبقه بندی شده برای جامعه آماری دانش آموزان انجام گرفته یعنی از جامعه آماری هشتصد و بیست و پنج نفر دانش آموز پسر مقطع متوسطه یکصد و هشتاد نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شده اند و از جامعه آماری دبیران به روش نمونه گیری تصادفی ساده از جامعه آماری هشتاد نفر دبیران دروس نظری، سی و دو نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شده اند و فعالیت پژوهش در مورد گروه های نمونه انتخاب شده صورت گرفته است.

$$\frac{z^2 \times p(1-p)}{E^2} = \frac{1/96^2(0/52)(1-0/52)}{(0/05)^2} = 180$$

$$\frac{xh}{X} = \frac{3238}{6168} = 0/52$$

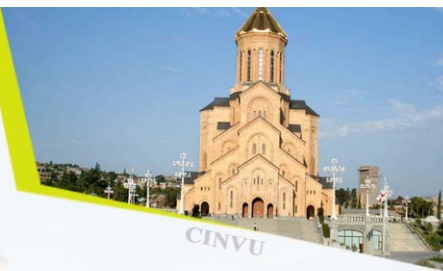
$$n = 180 = \frac{z^2 \times p(1-p)}{E^2} = \frac{(1/96)^2(0/52)(1-0/52)}{(\%7093)^2} = 180$$

یافته ها:

با توجه به اینکه این پژوهش علل ضعیف بودن مهارت خواندن در دانش آموزان مقطع متوسطه را در سه فرضیه پیش بینی کرده بود جهت تأیید یا رد هر کدام از فرضیه های مورد پژوهش در سه حوزه به گردآوری داده ها و تحلیل و نتیجه گیری از آنها پرداخت که این حوزه ها عبارت از

**الف: حوزه روش تدریس:** در این حوزه ضعیف بودن مهارت خواندن که اشکال در روش تدریس

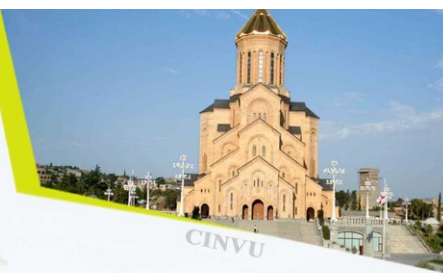
پیش بینی شده بود پس از تحلیل و تفسیر داده ها در شیوه تدریس که در مهارت های خلاق تدریس طبقه بندی شده بود این یافته حاصل گشت که خیلی از دبیران در شیوه تدریس شان به خلاقیت شخصی دانش آموزان توجه نمی کنند و حفظ معلومات کتابی و پاسخ دهی به عین مطالب درس تأکید می نمایند همچنین تعدادی از دبیران توجهی به کاربرد مشوق تحصیلی جهت ایجاد انگیزه در دانش آموزان ندارند و تعداد کثیری از دبیران نیز



پاسخ های دانش آموزان را که با تفسیر ذهنی خود آنان انجام بگیرد امتیازی محسوب نمی کنند با توجه به یافته های این حوزه از پژوهش علی رقم تأکید روانشناسان و علمای تربیتی به آموزش حل مسأله، توانایی تفسیر و استنتاج منطقی از متن ها و مهارت مطالعه و یادگیری، آنچه از این پژوهش بدست می آید مبین آنست که در فرایند آموزش چندان عنایتی به این مهارت ها در دانش آموزان نمی شود. در بحث تقویت باز تولید فکری در دانش آموزان ملاحظه شد که متأسفانه این موضوع از بی توجهی بیشتری در جامعه دبیران مورد پژوهش قابل اثبات است اگر چه تعدادی از دبیران مورد پژوهش به خوبی با روش های نوین آموزشی کاملاً آشنا هستند و در فرایند یاددهی - یادگیری بدان عمل می کنند عده کثیری از دبیران این شیوه های نوین را در فرایند آموزش به خوبی مورد استفاده قرار نمی دهند بر این اساس می توان گفت که تأیید فرضیه اول پژوهش، زنگ هشدار در مورد شیوه های تدریس موجود می باشد و یکی از دلایل ضعیف بودن مهارت خواندن تلقی می شود و طبیعی است که ناتوانی یادگیری و تحصیلی را به دنبال دارد همچنین یکی از نکات قابل توجه که از یافته های این پژوهش حاصل گشت اهمیت آموزش راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری دانش آموزان بود که در این حیطه نیز مشخص گردید که توجه بدان در فرایند آموزش و تدریس خیلی ضعیف است بر این اساس یادگیری هر مهارتی در نظام آموزشی توسط مربی و دبیر در کلاس انجام می گیرد و چنانچه دانش آموز از این مرجع فراگیری و کسب علم در مهارتی بی نصیب باشد بی تردید نمی تواند این خلع را در جای دیگری پر نماید چه اینکه اصلی ترین الگوبرداری دانش آموز از دبیر و همکلاسی ها و دوستان خود است و در این میان الگوبرداری و ارزشمندی نسبت به گفتار و رفتار دبیران از اهمیت خاصی برخوردار است بهر تقدیر فقر بهره گیری از مهارت ها و تکنیک های مهم یادگیری و مطالعه ضعیف بودن یادگیری های دانش آموز را سبب می شود.

بنابراین پس از بیان اهمیت و فواید مهارت خواندن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به پژوهش های صورت گرفته در خصوص مهارت های خواندن و توجه ویژه به درک مطلب توسط کارشناسان در نظام های آموزشی جهان مورد بررسی قرار گرفت و همچنین به مطالعه تطبیقی پیشرفت سواد خواندن و نوشتن (پرلز) یا ارزیابی پیشرفت تحصیلی IEA و عملکرد ضعیف دانش آموزان ایرانی در این آزمون در مقایسه با سایر کشورها پرداخته شد و پس از آن به بیان هدف ها اعم از هدف کلی و اهداف جزئی این پژوهش پرداخته شد و فرضیه اصلی و فرضیه های ویژه نیز مورد بررسی قرار گرفت.

در مرحله بعد به بررسی ادبیات پژوهش با استفاده از نتایج تحقیقات محققان و دانشمندان در خصوص مهارت خواندن و یادگیری پرداخته شد و نظریات و کشفیات زبانشناسان، روانشناسان و علمای تربیتی مورد بررسی و دقت قرار گرفت. همچنین روش هایی که دانشمندان در خصوص تسهیل در خواندن و یادگیری بهتر و راه های توسعه

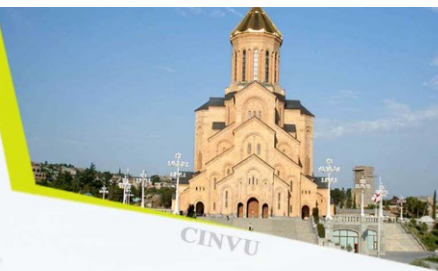


مهارت خواندن و مطالعه به منظور حداکثر استفاده از توان ذهنی تبیین نموده بودند نیز مورد دقت نظر قرار گرفت و با استفاده از کتاب ها، اسناد، مقالات علمی، سایت های مختلف، مطالب ارزشمندی از نظریات، کشفیات و تجربیات دانشمندان علوم آموزشی و تربیتی جمع آوری گردید. در خصوص پیشینه تحقیق مختصری از تحقیقات صورت گرفته درباره مهارت های یادگیری و تاثیر این مهم بر پیشرفت یا ضعف تحصیلی دانش آموزان بررسی شد.

در فرایند بعدی پس از تبیین جامعه آماری و گروه نمونه و روش نمونه گیری به توضیح ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از سه گروه پرسشنامه الف- پرسشنامه مربوط به روش تدریس توسط دبیران ب- پرسشنامه مربوط به راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری توسط دانش آموزان ج- پرسش نامه هوش هیجانی (EQ) مربوط به دانش آموزان صورت گرفت و در مورد نحوه توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها به منظور گردآوری اطلاعات مراحل زیر انجام گرفت.

۱- پرسشنامه مربوط به شیوه های تدریس توسط دبیران در بین سی و دو نفر از دبیران مقطع متوسطه شهرستان صومعه سرا که به عنوان گروه نمونه انتخاب شده بودند توزیع شد و پس از دو هفته دبیران محترم پرسشنامه تکمیل شده را که شامل چهار و نه سوال مرتبط با شیوه های تدریس بود به بنده ارجاع دادند.

در خصوص راهبردهای مطالعه و یادگیری نیز پرسشنامه ای با سی و یک سوال تخصصی مربوط به سبکها و راهبردهای مطالعه و یادگیری در بین صد و هشتاد دانش آموز که به عنوان گروه نمونه از جامعه آماری انتخاب شده بودند توزیع گردید. البته در گزینش دانش آموزان علاوه بر فرمول آماری خاصی که توسط جناب آقای دکتر حمیدی زاده در نظر گرفته شده بود حتی در چیده مان دانش آموزان در هر دبیرستان به تفکیک مقطع تحصیلی انتخاب شده و علاوه بر آن در هر مقطع دانش آموزان انتخاب شده از دو طیف گروه دانش آموزان قوی که معدل آنها از چهارده به بالا بود و گروه دانش آموزان ضعیف که معدل آن ها پایین تر از دوازده بود تشکیل شدند، به عبارت دیگر مثلاً اگر در دبیرستان الف که جامعه آماری دویست نفر بود و در هر مقطع تقریباً هفتاد دانش آموز بود و در انتخاب گروه نمونه از هر مقطع هفتاد نفری بر فرض بیست و یک نفر انتخاب شده بود. این بیست و یک نفر دانش آموز به دو گروه قوی یعنی ده نفر معدل چهارده به بالا و گروه ضعیف معدل دوازده به پایین انتخاب شد و در یک دیدگاه کلی مشخص شد که دانش آموزان گروه قوی امتیاز بالاتری از لحاظ سبک های یادگیری و راهبردهای صحیح مطالعه کسب کرده اند و تفاوت معنی دار بین دانش آموزان گروه قوی و دانش آموزان گروه ضعیف مشاهده گردید.



همچنین پرسشنامه ای در خصوص هوش هیجانی EQ بین صد و هشتاد دانش آموز که به طبق روش فوق الذکر از جامعه آماری به عنوان گروه نمونه انتخاب شده بودند با توجه به این که این گروه از دانش آموزان نیز به دو گروه قوی با معدل چهارده به بالا و گروه ضعیف با معدل دوازده به پایین ترتیب یافته بودند توزیع شد. لازم به ذکر است که پرسشنامه مذکور شامل صد سوال که به ده دسته سوالات مرتبط با هوش موفقیت، هوش کلامی، زبان‌شناختی، هوش عقلایی، ریاضی، هوش هیجانی، هوش شهودی و ادراکی، هوش هیجان‌گرایی، هوش مهارت‌های اجتماعی و بین فردی، هوش بصری و تجسمی، هوش موسیقی و ریتم شناختی، هوش جسمانی و فیزیکی مرتب شده بود. در این مورد نیز پس از تکمیل پرسشنامه و تحلیل آن مشخص شد که دانش آموزان گروه قوی به لحاظ نمره هوش هیجانی امتیاز بالاتری نسبت به دانش آموزان ضعیف کسب کرده اند و در نمره هوش کلی هیجانی امتیاز بالاتری نسبت به دانش آموزان ضعیف کسب نموده اند و در نمره هوش کلی هیجانی EQ نیز این وضعیت مشهود است. البته پس از جمع آوری داده ها و تحلیل آن توسط نرم افزار SPSS و با آزمون مجذور k و محاسبه جدول از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی اطلاعات با اهمیتی به دست آمد که در توضیحات بعدی بیان خواهد شد. به طور کلی می توان گفت که در انجام مراحل تحقیق با توجه به محدودیت منابع و اسناد و حجم جامعه آماری از جامعه دبیران و جامعه آماری دانش آموزان و انتخاب گروه نمونه بطور تصادفی ساده در جامعه آماری دبیران و انتخاب گروه نمونه به طور طبقه بندی شده از جامعه آماری دانش آموزان و همچنین وجود سه متغیر شیوه های تدریس، راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری و هوش هیجانی EQ می توان بیان کرد که با حجم وسیعی از عملیات پژوهشی همراه بوده است.

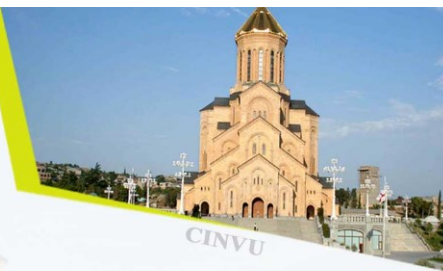
در این پژوهش سعی بر آن بود که در گردآوری داده های پژوهشی و انجام تحلیل آماری به منظور حصول نتایج صحیح از آن به بهترین صورت تحقق یابد بنابراین در این راستا پس از جمع آوری داده ها به تحلیل آن از طریق نرم افزار SPSS اقدام شد با توجه به اینکه موضوع پژوهش، بررسی علل ضعیف بودن مهارت خواندن در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه است و علل این اشکال در سه فرضیه پژوهشی یعنی؛ اشکال در روش تدریس، فقر آگاهی از راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری و هوش هیجانی، توسط محقق در نظر گرفته شد بنابراین برای هر یک از حوزه های پژوهشی الف - حوزه روش تدریس ب - حوزه راهبرد مطالعه و یادگیری ج - حوزه هوش به گردآوری داده ها و سپس تحلیل آماری داده ها، فعالیت های لازم صورت گرفت. بر این اساس در حوزه روش تدریس با چهل و نه سؤال تخصصی و طبقه بندی آن در پنج مهارت خلاق تدریس، داده های گردآوری شده مورد تحلیل آماری قرار گرفته و ماحصل آن در آزمون فرضیه مورد بهره برداری قرار گرفت بنابراین در حوزه روش تدریس یافته های بدست آمده به شرح ذیل بوده است:



در ارتباط با فرضیه پژوهشی که اشکال در مهارت خواندن را به دلیل تأکید بر حفظ معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت شخصی و بازتولید فکری دانش آموزان در شیوه تدریس بیان شده بود یافته های پژوهشی در این حوزه نشان می دهد که ۶۲/۹ درصد دبیران مورد پژوهش به رشد و توسعه خلاقیت شخصی دانش آموزان در آموزش و تدریس شان توجه دارند و بقیه توجهی به موضوع خلاقیت دانش آموزان ندارند و در ارتباط با کاربرد محرک های مشوق تحصیلی نیز ۹۶/۸ درصد دبیران به ایجاد انگیزه در دانش آموزان در تدریس توجه می نمایند و حدود ۳/۲ درصد دبیران مورد پژوهش چندان توجهی بدان ندارند و اما در مهارت تدریس توجه به باز تولید فکری دانش آموزان که از مهارت های مهم دانش آموزان در مطالعه و یادگیری محسوب می شود فقط ۴۰/۷ درصد دبیران مورد پژوهش به باز تولید فکری دانش آموزان و تقویت آن در آموزش و تدریس خود توجه کافی می کنند و حدود ۵۹/۳ درصد دبیران به محفوظات و حفظ مطالب کتابی توجه دارند و امتیاز زیادی قائل می شوند و در مقایسه ای که در بین دبیرستان های مورد پژوهش به عمل آمد نکته جالب توجه این بود که در دبیرستانی که معلمان آن به تقویت و توسعه بازتولید فکری دانش آموزان اهمیت بیشتری داده اند به مراتب وضعیت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن دبیرستان نسبت به دیگر دبیرستان هایی که به حفظ معلومات کتابی تأکید داشته اند بوده است و این امر به وضوح نمایان گردیده است در بحث توجه به مهارت خواندن دانش آموزان و تلاش جهت اصلاح آن در فرایند یاددهی - یادگیری مشخص گردید که ۵۸ درصد دبیران مورد پژوهش در فرایند تدریس و آموزش به مهارت های مطالعه و یادگیری دانش آموزان توجه دارند و ۴۱/۹ درصد آنها توجه چندانی به این بعد از مهارت یادگیری دانش آموزان نمی نمایند و باز نکته جالب توجه آنست که معلمان دبیرستان هایی که به مهارت مطالعه و یادگیری دانش آموزان توجه بیشتری دارند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن دبیرستان در سطح بالاتری از دبیرستان های دیگر قابل مشاهده است و در ادامه این موضوع ۸۱/۳ درصد دبیران به دنبال تشخیص علت ضعیف بوده مهارت مطالعه و یادگیری دانش آموزان و ارائه راهنمایی های لازم به دانش آموزان خود تلاش می نمایند و راه حل های لازم را مطرح می نمایند اما ۱۸/۸ درصد دبیران خود را فارغ از چنین امر مهمی می دانند. با توجه به جمع بندی و نتیجه گیری کلی از مبحث فرضیه پژوهش روش تدریس بر اساس آزمون فرضیه، بدین صورت تبیین گردید که ضعیف بودن مهارت خواندن به دلیل تأیید دبیران بر حفظ معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت شخصی و باز تولید فکری دانش آموزان مورد تأیید قرار می گیرد.

بر اساس تحلیل داده ها و نتیجه به دست آمده از آن، فرضیه اول این پژوهش یعنی ضعیف بودن مهارت خواندن و مطالعه در دانش آموزان به دلیل تأکید بر حفظ معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت شخصی و بازتولید فکری دانش آموزان است، تأیید می شود.



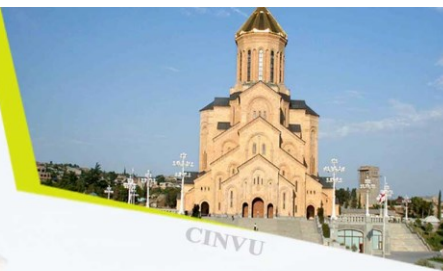


با توجه به این که مقدار  $X^2$  به دست آمده از مقدار  $X^2$  جدول بزرگتر می باشد پس فرض  $H_0$  رد شده و فرض  $H_1$  ضعیف بودن مهارت خواندن به دلیل تاکید بر حفظ معلومات کتابی و کم توجهی به خلاقیت شخصی و بازتولید فکری دانش آموزان است مورد تایید قرار می گیرد. با توجه به تایید فرضیه اول، توجه به این نکته مهم ر نظام آموزشی ایران مورد نظر قرار می گیرد که سیاست گذاران و برنامه ریزان درسی با تکیه بر این مطالعات باید در فرایند یاددهی - یادگیری، سواد و مهارت‌های خواندن و مطالعه در ابعاد مختلف آن ( نیروی انسانی، برنامه ریزی، ساختار، روش ها و اهداف و ...) تجدید اساسی به عمل آورند. البته تحول و اصلاح بدون سرمایه گذاری در منابع انسانی، به ویژه معلمان در دوره های مختلف تحصیلی امکان پذیر نیست، از این رو قبل از هر چیز باید در کیفیت انتخاب معلم و سپس در کیفیت آموزش معلم برنامه ریزی اصولی به عمل آورند.

در ارتباط با فرضیه دوم پژوهشی که اشکال در مهارت خواندن را به دلیل فقر آگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری دانش آموزان علت اشکال در مهارت خواندن می داند در این حوزه با سی و یک سؤال تخصصی از طریق پرسشنامه و طبقه بندی آن به شش مهارت در حوزه مطالعه و یادگیری، به گردآوری داده ها و تحلیل آماری فعالیت مربوط به عمل آمده و ماحصل آن در آزمون فرضیه مورد بهره برداری قرار گرفت بنابراین در حوزه مهارت های مطالعه و یادگیری یافته های بدست آمده به شرح ذیل می باشد:

در ارتباط با فرضیه پژوهشی که اشکال در مهارت خواندن دانش آموزان را به دلیل فقر آگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری می داند یافته های پژوهشی در این حوزه مبین آنست که ۸۶/۲ درصد دانش آموزان مورد پژوهش در سطحی از شناخت مباحث درسی و علمی رسیده اند که مطلوب است و ۱۳/۸ درصد دانش آموزان به لحاظ سطح شناخت مسائل درسی در حد نامطلوب قرار می گیرند همچنین در مقایسه بین دبیرستان های مورد پژوهش مشاهده گردید که دست یابی به فراشناخت و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان قابل ملاحظه است. در بحث خودمدیری دانش آموزان مشاهده گردید که ۸۰/۵ درصد دانش آموزان مورد پژوهش به لحاظ توانایی خود مدیری در سطح مطلوب بوده و ۱۹/۵ درصد دانش آموزان به لحاظ توانایی خودمدیری ضعیف می باشند. در رابطه با راهبرد برنامه ریزی برای مطالعه و یادگیری مشاهده شد که ۸۶/۵ درصد دانش آموزان مورد پژوهش دارای راهبرد برنامه ریزی برای مطالعه و یادگیری بوده و ۱۳/۵ درصد برای مطالعه و یادگیری برنامه ریزی معین ندارند و باز مشخص گردید که در دبیرستان هایی که دانش آموزان دارای راهبرد برنامه ریزی برای مطالعه هستند وضعیت پیشرفت تحصیلی بهتر قابل مشاهده است.

اما در مهارت مهم مطالعه و یادگیری دانش آموزان که مبنای اصلی پژوهش است مشاهده گردید که ۸۴/۴ درصد دانش آموزان تقریباً راهبرد مناسبی در مطالعه و یادگیری دارند که باز نیازمند توجه ویژه هستند و ۱۵/۶ درصد دانش آموزان دارای فقر آگاهی از راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری می باشند و باز مشخص شد که دانش



آموزانی که دارای راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری هستند به لحاظ پیشرفت تحصیلی در سطح بالاتر از دانش آموزانی قرار دارند که فقر آگاهی از این راهبردها دارند.

در مورد مهارت ارزیابی کنترل ضمنی در مطالعه و یادگیری نیز مشخص گردید که ۷۹/۷ درصد دانش آموزان مورد پژوهش در حین مطالعه و یادگیری کنترل و نظارت بر پیشرفت امور و میزان یادگیری خود دارند و ۲۰/۳ درصد آنها در مطالعه و یادگیری، نظارت و کنترل بر میزان آموخته ها، اصلاح نقایص و تغییر سبک یادگیری ندارند.

در بحث دیدگاه دانش آموزان به روش تدریس ملاحظه گشت که ۶۹/۷ درصد دانش آموزان تغییر در شیوه های تدریس را جهت اصلاح راهبردهای مطالعه و یادگیری بی تأثیر می دانند و وضعیت موجود را نیازمند تغییر نمی دانند و ۳۰/۳ درصد دانش آموزان روش های تدریس نامطلوب را عامل ضعیف بودن مهارت مطالعه و یادگیری دانسته و خواستار اصلاح شیوه های تدریس هستند.

بر اساس تحلیل داده ها و نتیجه بدست آمده از آن، فرضیه دوم این پژوهش یعنی ضعیف بودن مهارت خواندن به دلیل فقر آگاهی از راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری است، تایید می شود. با توجه به این که مقدار  $X^2$  به دست آمده از مقدار  $X^2$  جدول بزرگتر می باشد پس فرض  $H_0$  رد شده و فرض  $H_1$  ضعیف بودن مهارت خواندن به دلیل فقر آگاهی از راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری است تایید می شود.

بارها مشاهده شده که دانش آموزان می گویند دیگر حال و حوصله خواندن کتاب را ندارم و ۱۰۱ بار خواننده ام و تکرار کرده ام ولی باز یاد نگرفته ام. در این مورد مشکل چیست؟ مطمئناً اگر چنین باشد مطالعه کاری سخت و طاقت فرسا است. اما چنین نیست و واقعیت این است که این گروه از دانش آموزان روش های صحیح مطالعه و خواندن را نمی دانند و متأسفانه در مدرسه چیزی راجع به چگونه خواندن و مطالعه نمی آموزند. یادگیری و مطالعه رابطه تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر دارند تا جایی که می توان این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. برای این که میزان یادگیری افزایش یابد باید قبل از هر چیز مطالعه ای فعال و پویا داشت. لذا آموزش شیوه و راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری به دانش آموزان ضروری است. زمانی که دانش آموزان و یادگیرندگان دارای راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری باشند با فعالیت ها یا تکالیف یادگیری با اعتماد به نفس بالا و احساس اطمینان از این که از عهده آن تکلیف بر خواهند آمد رو به رو می شوند یا دست کم با این احساس می دانند که چگونه باید از پس آن ها بر آیند با آن ها برخورد می کنند. این یادگیرندگان سخت کوش، با پشتکار و مبتکر هستند و در برخورد با مشکلات به سادگی دست از کار نمی کشند آنان می دانند که یادگیری یک جریان فعال است و خود آنان باید مقداری از این مسئولیت آن را بپذیرند و می دانند چه وقت می فهمند و برای حل آن چه چیز نیاز دارند و از معلم یا



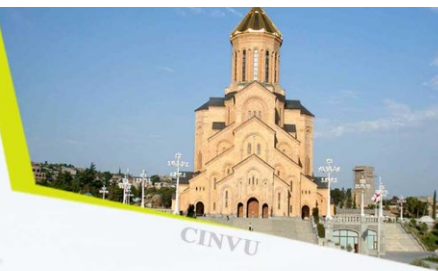
همکلاسی های خود یاری می طلبند برای آنان مطالعه کردن و یاد گرفتن یک فرایند نظامدار است که به میزان زیاد زیر کنترل خودشان است، اما یاد گیرندگان و دانش آموزان دارای فقر آگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری از اعتماد به نفس پایین در مطالعه برخوردار هستند. در برخورد با مشکلات زود دچار خستگی و ضعف می شوند و پشتکار نشان نمی دهند. راه حل های مختلف را بکار نمی گیرند و زود دست از کار می کشند. ارزیابی از میزان اطلاعات و فهم مطلب حین مطالعه ندارند و برای جبران مسائل و مشکلات که نمی فهمند تلاش نمی کنند و مسئولیت آن را نمی پذیرند و این ها همه نشان دهنده این نکته است که در فرایند تدریس و آموزش باید راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری به دانش آموزان بیان گردیده و در جهت آن اهتمام جدی اتخاذ نمایند.

حوزه هوش، فرضیه سوم پژوهش می باشد ضعیف بودن مهارت خواندن را به دلیل هوش هیجانی پایین می داند. در این حوزه از پژوهش از طریق پرسشنامه هوش با صد سؤال در انواع هوش به گردآوری داده ها و تحلیل آماری از آن اقدام لازم به عمل آمده و ماحصل آن در آزمون فرضیه مورد بهره برداری قرار گرفته است. بنابراین با توجه به داده های به دست آمده در حوزه هوش ۵۱/۱ درصد دانش آموزان مورد پژوهش به لحاظ هوش جزء گروه قوی و ۴۸/۹ درصد دانش آموزان مورد پژوهش گروه دانش آموزان با هوش هیجانی متوسط و پایین مشخص شدند و در مقایسه انواع هوش با معدل تحصیلی دانش آموزان ملاحظه شد که گروه دانش آموزان با امتیاز هوش قوی، پیشرفت تحصیلی بهتری نسبت به دانش آموزان با هوش متوسط و پایین دارند و این موضوع برای همه دبیرستان های مورد پژوهش صدق می کند و نیز در هوش کلی همین وضعیت برای دانش آموزان قابل اثبات است.

بر اساس تحلیل داده و نتایج به دست آمده از آن فرضیه سوم این پژوهش یعنی ضعیف خوانی و مشکل یادگیری بدلیل هوش هیجانی پایین است مورد تایید قرار می گیرد  $X^2$  بدست آمده از مقدار  $X^2$  جدول بزرگتر می باشد. پس فرض  $H_0$  رد شده و فرض  $H_1$  یعنی ضعیف خوانی و مشکل یادگیری به دلیل هوش هیجانی پایین در دانش آموزان است مورد تایید قرار می گیرد.

همانطور که بیان شد جاذبه هوش هیجانی در آن است که بتواند بر این سوال پاسخ دهد که: چه چیزی در موفقیت کاری، خانوادگی، تحصیلی حداکثر سهم را دارد؟ چیزی که جدا از هوش اصلی یا (IQ) است. هوش هیجانی به ما نشان می دهد که چرا مردمی که IQ مساوی دارند باز هم از لحاظ موفقیت در زندگی با هم متفاوت هستند.

باید توجه داشت که EQ قسمتی از تصویر کلی موفقیت را شامل می شود که IQ در آن نقشی ندارد. برای مثال در بعضی از کارها افراد بدون داشتن مقدار مشخصی از IQ معمول اصلا قادر به انجام دادن آن ها نیستند. مثل



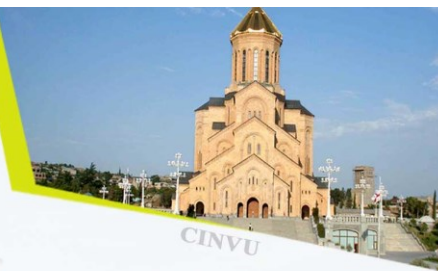
دکتر شدن یا دانشمند شدن یا مدیر سطح بالا شدن. به حد اقل میزان هوش (IQ) نیاز دارد و بدون آن هیچ کس نمی تواند در این زمینه ها موفق شود. در اینجا (IQ) عامل مهم تعیین کننده موفقیت است اما در مورد این افراد علت موفقیت بیشتر نیاز به هوش هیجانی دارند. در کل این که (IQ) کف موفقیت های این افراد و هوش هیجانی سقف موفقیت آنان را تشکیل می دهد. یعنی تعیین می کند که افراد نسبت به دیگران، با همان مهارت های شناختی و تکنیکی تا چه ارتفاعی می تواند بالا بروند.

### سوال اساسی این است که آیا می توان هوش هیجانی را اندازه گرفت؟

اندازه گیری هوش هیجانی بسیار دشوار است. روانشناسان تردید دارند که اصلاً بتوان آن را اندازه گرفت (برادبری و گریوز ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) به هر حال برای شناخت این مهارت راه های مختلف از طریق آزمون های هوش هیجانی ارائه شده است. یک نمونه آن به طور کامل در این پژوهش برای ۱۸۰ نفر دانش آموز تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم دارد. یعنی دانش آموزان قوی در هوش هیجانی نیز در پیشرفت تحصیلی خوبی هستند و دانش آموزان ضعیف در هوش هیجانی معدل تحصیلی (پیشرفت تحصیلی) پایین دارند و با توجه به این که تست هوش هیجانی در این پژوهش با ده آیتم یا هوش دهگانه که مجموعاً هوش هیجانی فرد را اندازه می گرفتند انجام می شد. به طور کلی نتایج گویای همین مطلب هست.

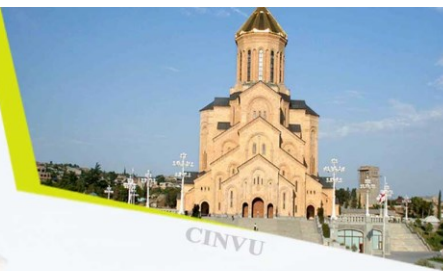
در بحث دیگر بین میانگین امتیازات هوش هیجانی گروه قوی با معدل تحصیلی آنان و میانگین امتیازات هوش هیجانی گروه ضعیف و معدل تحصیلی آنان مقایسه صورت گرفته است که جداول شماره ۳۴ تا ۴۳ به این امر اختصاص دارد و در همه این بررسی ها موید این مطلب است که بین هوش هیجانی و معدل تحصیلی (پیشرفت تحصیلی) ارتباط مستقیم حاکم است.

با توجه به تایید فرضیه اول پس از انجام فرایندهای جمع آوری داده ها و تحلیل آماری و نهایتاً جمع بندی و نتیجه گیری از آن، توجه به این نکته مهم در نظام آموزشی ایران مورد نظر قرار می گیرد که سیاست گذاران و برنامه ریزان درسی با تکیه بر این مطالعات باید در فرایند یاد دهی- یادگیری، سواد و مهارت های خواندن و مطالعه در ابعاد مختلف آن (آموزش نیروی انسانی، برنامه ریزی درسی، ساختاری، روش ها و اهداف و غیره ...) تجدیدنظر اساسی به عمل آورند. البته این تحول و اصلاح بدون سرمایه گذاری در منابع انسانی، به ویژه معلمان در دوره های مختلف تحصیلی امکان پذیر نیست. از این رو قبل از هر چیز باید در کیفیت انتخاب معلم و سپس در کیفیت آموزش معلم برنامه ریزی اصولی به عمل آورند و نیز در دوره های آموزش ضمن خدمت معلمان الگوها و شیوه های نوین آموزشی و تدریس را اجرا نمایند.



فقر آگاهی از راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری نیز موجب بی حالی و ایجاد دلزدگی دانش آموزان از مطالعه و خواندن می شود. زیرا زمانی که مطالب در ذهن جای نگیرد و خواندن و مطالعه دانش آموز موجب یادگیری مطلوب او نشود خود به خود بیزاری دانش آموز را در پی خواهد داشت و این مطلب را به وضوح بیان می کنند که حال و حوصله کتاب خواندن ندارم یا توانایی خواندن همراه با فهم مطلب را ندارم. این اظهارات دانش آموزان نشان دهنده فقر اطلاعاتی آنان از راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری است. متأسفانه در مدارس و نهاد های آموزش ابتدایی تا متوسطه چیزی در مورد تکنیک های صحیح مطالعه و یادگیری نمی آموزند یادگیری و مطالعه رابطه تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر دارند تا جایی که می توان این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. برای این که میزان یادگیری افزایش یابد ای قبل از هر چیز مطالعه ای فعال و پویا داشت و این دو وابسته به سبک و راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری است. زمانی که دانش آموز دارای راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری باشد با فعالیتها و تکالیف یادگیری با اعتماد به نفس بالا و احساس اطمینان از این که از عهده آن تکالیف بر خواهد آمد رو به رو می شود یا دست کم با این احساس که می داند چگونه باید از پس آن ها بر آید با آن ها برخورد می کند. لذا چنین یادگیرنده ای سخت کوش، با پشتکار و مبتکر است و در برخورد با مشکلات به سادگی منصرف نمی شود و احساس بی حوصلگی نمی کند. یادگیری یک جریان هدفدار و فعال است و خود یادگیرنده باید مقداری از مسئولیت یادگیری را به عهده بگیرد لذا یادگیرندگان دارای سبک ها و راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری به طور فعال به مطالعه و یادگیری می پردازند و می دانند چه وقت می فهمند، برای حل مشکل چه راهی در نظر بگیرند، از معلم یا هر فرد دیگر جهت حل مشکل و مشغله کمک می گیرند. برای آنان مطالعه و یادگرفتن یک فرایند نظامدار است که به میزان زیادی زیر کنترل خودشان است. در این پژوهش به وضوح مشخص شد که دانش آموزان مطلع و قوی در راهبرد صحیح مطالعه و یادگیری دارای میانگین نمرات تحصیلی بالا از دانش آموزانی هستند که دارای فقر اطلاعاتی از راهبردهای صحیح مطالعه و خواندن و یادگیری هستند.

همانطور که بیان شد جاذبه هوش هیجانی پاسخگویی بدان سوال است که چه عاملی در موفقیت های تحصیلی، شغلی، خانوادگی و اجتماعی افراد سهم دارد؟ در پاسخ باید گفت که چیزی که جدا از (IQ) یا هوش عقلانی است هوش هیجانی می باشد. لذا هوش هیجانی به ما نشان می دهد که چرا مردمی که دارای IQ مساوی هستند باز هم از لحاظ موفقیت در زندگی با هم متفاوت هستند. بنابر این باید توجه داشت که قسمتی از تصویر کلی موفقیت را شامل می شود که IQ در آن نقشی ندارد. در کل این که IQ کف موفقیت های افراد و سقف موفقیت های آنان را تشکیل می دهد. یعنی تبیین می کند که افراد نسبت به دیگران با همه مهارت های شناختی و تکنیکی تا چه ارتفاعی می توانند رشد یابند. در تحلیل های انجام شده از نتایج داده های این پژوهش مشخص گردید که میانگین امتیازات دانش آموزان قوی در هوش هیجانی نیز دارای میانگین نمرات تحصیلی در حد مطلوب هستند و

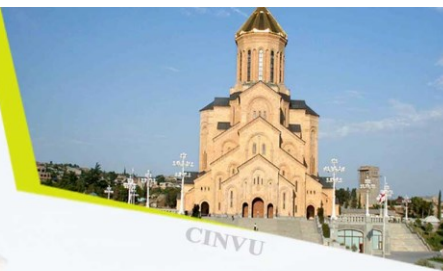


این ارتباط مستقیم ملاحظه گردید. البته محیط دارای غنای فرهنگی یا محیط محروم با شرایط فقر و فرهنگی می تواند در این نوع هوش تاثیر گذار باشد. و نیز با استفاده از تکنیک ها و روش های مختلف می توان موجب توسعه و پیشرفت هوش هیجانی را فراهم ساخت.

### بحث و نتیجه گیری:

پژوهش اخیر با توجه به اینکه اطلاعات گسترده ای از مسائل آموزشی در محدوده مورد پژوهش آشکار می سازد و در سه حوزه یعنی الف: شیوه تدریس ب: راهبرد مطالعه و یادگیری ج: هوش موضوعات جالب توجهی را مورد بحث و کنکاش قرار داده است، بنابراین علاوه بر مهارت خواندن که هدف اصلی از انجام پژوهش، دستیابی به یافته های جدید، به منظور بهبود و ارتقاء فرایند یاددهی - یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد در قبال این هدف مهم، به نکات حائز اهمیتی دست یافته که بسیار با ارزش هستند این یافته ها عبارت است از: خلاصیت شخصی و توجه به آن در فرایند آموزش و اینکه تا چه حد به آن اهمیت داده می شود لذا بحث خلاصیت با توجه به اینکه علمای روانشناسی و تربیتی در خصوص توسعه و تقویت این مهارت در فراگیران، موضوع مهمی است که در فرایند آموزش باید مورد توجه قرار گیرد در حوزه دیگر که به مهارت های مطالعه و یادگیری دانش آموزان پرداخته می شود در کنار این امر مهم مواردی مانند: فراشناخت، خودمدیری، برنامه ریزی مورد توجه قرار گرفته که علاوه بر فراهم ساختن اطلاعات مهم در راستای هدف تحقیق، مطالب ارزشمندی حاصل گردیده که در خصوص ضرورت نیازمندی بشر امروز به این مهارت ها و لزوم توجه به آن در نظام آموزشی تأمل و توجه ویژه را می طلبد در حوزه دیگر یعنی هوش هیجانی و لزوم توسعه این مهارت در دانش آموزان، یافته های مهمی کسب گردیده که به نوبه خود از ارزشمندی بالایی برخوردار می باشد از دیدگاه کلی می توان گفت که این پژوهش، مطالعه ای جامع و گسترده بود که علاوه بر مسائل آموزشی به موضوعاتی مانند: مدیریت، تصمیم گیری و غیره پرداخته است.

با توجه به مشکلات و معضلات اجتماعی از جمله: سیل عظیم بیکاران فارغ التحصیل و غیره، وجود بحران های اقتصادی در سطح منطقه و جهان، مسائل و مشکلات شخصی و خانوادگی فراوان، ندانم کاری ها و بی ارادگی ها، که گوشه ای از معضلات جامعه امروز بشر است می توان ادعا کرد که تنها راه حل این مسائل، اصلاح نظام آموزشی و تربیتی در همه مقاطع و دوره های تحصیلی می باشد چه اینکه زیر بنای جامعه مترقی و رو به پیشرفت، پرورش افراد خلاق، مدیر و صالح می باشد و تحقق این امر به مدد ارتقاء کیفیت آموزش و اصلاح ساختار، روش ها و فرایندهای نظام آموزش و تربیت امکان پذیر است.



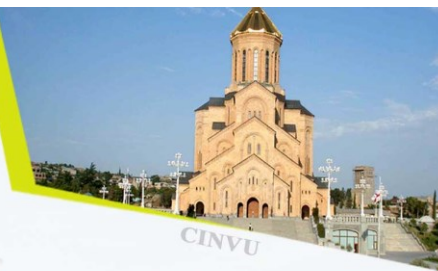
این پژوهش به بررسی علل ضعیف بودن مهارت خواندن در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه پرداخته و یافته های دست آمده از تحلیل داده ها و جمع بندی از آن همگی مبین آنست که فرضیه های پیش بینی شده مورد تأیید قرار گرفته اند در خصوص فرضیه اول این پژوهش ضعیف بودن مهارت خواندن را به دلیل اشکال در شیوه های تدریس بیان نموده بود پس از جمع آوری و تحلیل داده ها در حوزه روش تدریس مشخص گردید که در فرایند تدریس دبیران عنایت چندانی به یافته های جدید روانشناسی و به خصوص روانشناسی تربیتی نوین ندارند از آن جمله خلاقیت، بازتولید فکری، مهارت های مطالعه و یادگیری دانش آموزان مورد تأکید قرار نمی گیرد و این درحالی است که اکثر روانشناسان و علمای تربیتی به رفتارهایی چون خلاقیت، حل مسأله، توانایی تفسیر و استنتاج مطالب و خودمدیری فراگیران توجه خاص دارند و حفظ و تکرار مطالب را موجب منفعل بار آوردن شاگردان می دانند لذا در این پژوهش نمایان گشت که اصلی ترین اهرم آموزش و یادگیری یعنی شیوه تدریس دارای اشکالات است که بدون تردید عامل اصلی بسیاری از نارسایی های یادگیری می باشد. بر این اساس فرضیه اول پژوهش یعنی اشکال در شیوه های تدریس مورد تأیید قرار می گیرد پژوهش های صورت گرفته در خصوص آموزش مهارت های خواندن و یادگیری به دانش آموزان تأییدکننده این مطلب می باشند که اگر آموزش صحیح و هدفمند به منظور حصول مهارت و رفتار خاص در فراگیران انجام گیرد بلاشک نتیجه مطلوبی حاصل خواهد شد چه اینکه در مطالعات صورت گرفته آشکار گردید، که ذهن انسان در یادگیری، توانایی فوق العاده ای دارد که اگر به درستی آموزش داده شود به ظرفیت بالایی دست خواهد یافت در مطالعات اکثر محققان علوم تربیتی و روانشناسی که به بررسی مهارت های مطالعه و یادگیری پرداخته اند نتایج یافته های پژوهشی این موضوع را به صراحت آشکار می کند که منشأ بسیاری از ضعف های یادگیری و تحصیلی، آموزش ناکافی یا بعضاً غیر مطلوب توسط مربی از یک طرف و عدم جدیت و تلاش کافی برای یادگیری از جانب دانش آموز از طرف دیگر عامل اصلی ناتوانی یادگیری است. در مورد پرورش مهارت های فکری دانش آموزان بسیاری از محققان از جمله، دی وستا، سولسو، هانت، گلور، رانینگ و برونینگ و ویتراک طی پژوهشهایی که در دهه ۱۹۹۰ انجام داده اند نتایج یافته های آنان مبین این نکته است که معلمان باید به رشد قوه فکری دانش آموزان توجه نموده و فعالیتهای آموزشی را با معنا سازند لذا معلمان کارآمد به تفاوت شیوه تفکر دانش آموزان توجه دارند. در بحث پرورش خودمدیری دانش آموزان نیز پژوهشهایی که توسط محققان از جمله، واتسون، ثارب، کازدین، میچن بام و ترک در دهه ۱۹۹۰ انجام شده است نتایج یافته ها تاکید بر آن دارند که خودمدیری و تقویت آن به میزان قابل توجهی انجام وظایف محول شده به ایشان را افزایش



connect your ideas network  
on virtual occasions



Kour University  
Department of Education Sciences and Lifestyle



CINUV

می دهد و در موفقیت آنان اهمیت دارد. راهبرد یادگیری و مطالعه، مهارت‌هایی قابل یادگیری هستند. بعضی از یادگیرندگان به تدریج و با کوشش خود این مهارت‌ها را کسب می کنند اما بعضی دیگر به تنهایی از عهده یادگیری آنها بر نمی آیند و لازم است در این زمینه آموزش بینداسلاوین (۲۰۰۶) با استناد به پژوهش‌هایی که درباره اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه انجام شده، گفته است می توان به دانش آموزان راهبرد های گوناگون را آموزش داد و به آنان کمک کرد تا نسبت به یادگیری و تفکر خود آگاهانه عمل کنند و در بر خورد با با تکالیف مختلف یادگیری و مسائل گوناگون تحصیلی از استراتژیها و تاکتیکهای مفید استفاده نمایند

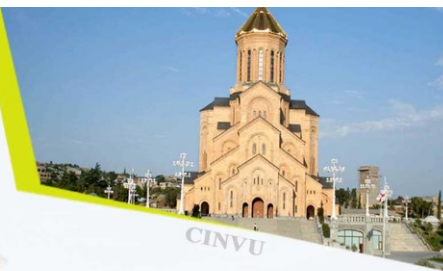
در رابطه با فرضیه دوم پژوهش که ضعیف بودن مهارت خواندن را به دلیل فقر آگاهی از راهبرد های صحیح مطالعه و یادگیری بیان نموده است نتایج یافته های این پژوهش صحت موضوع را تأیید می نماید در تحلیل داده های پژوهش مشخص شد که اکثر دانش آموزان شناخت کافی از راهبردهای صحیح مطالعه و یادگیری که موجب تسهیل، ایجاد انگیزه و موفقیت یادگیری دانش آموزان می شود به درستی واقف نیستند فقر آگاهی از راهبرد های مطالعه و یادگیری موجب خستگی، دلزدگی و شکست و مأیوس شدن از پیشرفت تحصیلی می شود لذا در این پژوهش آشکار گردید که بسیاری از دانش آموزان به لحاظ دانش فراشناختی از موضوعات درسی و راهبرد مطالعه و یادگیری، خودمدیری، برنامه ریزی و کنترل و ارزشیابی ضمن مطالعه و یادگیری دارای فقر اطلاعاتی می باشند. در پژوهش‌هایی که توسط محققان من جمله متولی (۱۳۷۶)، آوانسیان (۱۳۷۷) و ابراهیمی قوام آبادی (۱۳۷۷) در مورد دو گروه از دانش آموزان انجام گرفت نشان دادند که دانش آموزان آشنا با راهبرد های مطالعه و یادگیری بهبود خواندن و درک مطلب در آنان قابل اثبات است و نیز تأثیر مثبت روش مطالعه مشارکتی، استفاده از تکنیک های یادداری و دانش فراشناختی موجب بهبود یادگیری می شود.

و سرانجام در بحث فرضیه سوم پژوهش که ضعیف بودن مهارت خواندن را به دلیل هوش پایین می داند نتایج یافته های پژوهش نیز آن را تأیید نمود بر این اساس دانش آموزانی که در هوش هیجانی امتیاز بالا کسب کرده بودند وضعیت پیشرفت تحصیلی که بر اساس معدل تحصیلی ترم محاسبه شده بود در حد مطلوب بودند بنابراین رابطه مستقیمی بین سطح نمره هوش و معدل تحصیلی مشاهده گردید.

همانطور که بیان شد جاذبه هوش هیجانی در آن است که بتواند به این سؤال پاسخ دهد که؛ چه چیز در موفقیت کاری، خانوادگی و تحصیلی حداکثر سهم را دارد؟ چیزی که جدا از هوش اصلی یا (IQ) است هوش هیجانی به ما نشان می دهد که چرا مردمی که IQ مساوی دارند باز هم از لحاظ موفقیت در زندگی با هم متفاوت هستند.

هوش هیجانی، نشانه عقل، فهم، زیرکی، آگاهی، شعور و فراست انسان است < این هوش از برانگیخته شدن شور و جوشش نسبت به چیزی بوجود می آید هوش هیجانی ریا، پیوند عقل با عواطف و فطرت است که هیجانی





وجود می آورد عقل بدون عواطف و فطرت نابارور است. هوش هیجانی بر پایه طرز تفکر شکل می گیرد. طرز تفکر در دوره های مختلف زندگی تغییر و تحول می یابد. شخصیت و توانایی ذهنی نیز هوش هوش هیجانی افراد را شکل می دهند

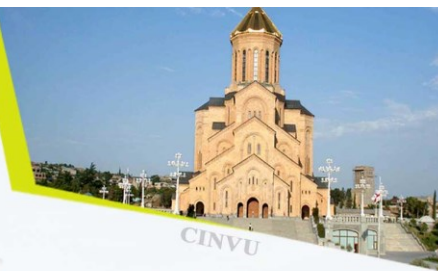
هیجان بر پایه فطرت انسان بروز می کند. الهامات قلبی، سطح عرفان انسان را شکل می دهند پیامهایی که انسان می تواند از ضمیر و فطرت خود دریافت کند هوش هیجانی نامیده می شود این هوش، مانند روحیه ای برای هیجانات انسان است

هوش هیجانی در حوزه آداب، سنن، ارزشها، باورها و جهان بینی و طرز فکر انسان است و نگرش تولید می کند که در دوران مختلف در چارچوب تجربیات انسان رشد می کنند این هوش روحیه دوران زندگی است و بر پایه احساسات و طرز تفکر سنجیده می شود. هوش هیجانی جلوه ای از طرز تلقی و استنباط فرد است. منشاء این هوش عاطفه، قلب، ادراک و فطرت است و نوع نگرش مثبت به عدم اطمینان ی آینده بر مبنای این هوش مشخص می شود. این هوش حاصل فرایند فکر کردن است و پایه های آن را آگاهی، ارزشها، باورها، نگرشها، استعدادها و وسعت احساس و توانمندی جذب پیامها را شکل می دهد. (golman 1995)

هوش هیجانی قابلیت های تخصصی شما را در کنار زندگی شغلی بکار می گیرد. هیجانهایی که تجربه می کنید الگوهایی که با هیجانها شکل می دهید بخش مهم شخصیت شماست. رفتار هوشمندانه از مولفه های شناختی، اجتماعی و هیجانی شکل می گیرد. تفکری که هیجان نداشته باشد فرایند تصمیم گیری رضایت بخش برای انسان وجود نمی آورد. با هوش هیجانی بهتر می توانید پایداری خود را در رویارویی با ناکامیها تقویت کنید، حالات روحی و خلق و خوی خود را تنظیم نمایید، بر نفس خود تسلط یابیم، بر وسوسه های آن غلبه کنیم، از ضایع نیاز زود گذر را به تعویق اندازیم و از غرق شدن در مسائل ناراحت کننده اجتناب نماییم و با دیگران هم صحبت شویم. (goleman 1995).

هوش تولید آگاهی می کند. روابط علی میان مسائل و پدیده ها را شنا سایی و تحلیل می نماید. هوش می تواند به استناد زمینه های اطلاعات، علم و دانش شما، نتیجه گیری منطقی نماید.

باید توجه داشت که هوش هیجانی قسمتی از تصویر کلی موفقیت را شامل می شود که IQ در آن نقشی ندارد برای مثال دانشمند یا مدیر سطح بالا شدن به حداقل میزان هوش IQ نیاز دارد و بدون آن هیچ کس نمی تواند در این زمینه ها موفق شود در اینجا IQ عامل مهم تعیین کننده موفقیت است اما در مورد این افراد علمت موفقیت بیشتر نیاز به هوش هیجانی دارند در کل این که IQ کف موفقیت های این افراد و هوش هیجانی سقف موفقیت آنان را تشکیل می دهد یعنی تعیین می کند که افراد نسبت به دیگران با همان مهارت های شناختی و تکنیکی تا چه ارتفاعی می توانند بالا بروند.



منابع:

- ۱- کنت ال. هیگ بی، حافظه شما (شناخت و تقویت آن)، مترجم: جعفریان. محمد، (۱۳۷۵)، تهران: بدر
- ۲- گلاور. جان ای، برونینگ. راجر اچ، روانشناسی تربیتی، مترجم: خرازی علی نقی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵
- ۳- لوریا. الکساندر، زبان و شناخت: مجموعه علوم شناختی، مترجم: قاسم زاده. حبیب الله، انزلی: فرهنگان، ۱۳۶۸
- ۴- ویگوتسکی، اندیشه و زبان، مترجم: قاسم زاده. حبیب الله، تهران: نقش جهان، ۱۳۷۱
- ۵- نیل. اسمیت، دیردری. ویلسون، زبان شناسی نوین (نتایج انقلاب چامسکی)، مترجم: سهیلی. ابوالقاسم، ۱۳۶۷
- ۶- هیلگارد. اتینگسون، زمینه روانشناسی (جلد ۱ و ۲)، مترجم: براهنی. محمدتقی، تهران: رشد، ۱۳۷۵
- ۷- سرمد. زهره، بازرگان. عباس، حجازی. الهه، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه، ۱۳۸۴
- ۸- ملکی. حسن، برنامه ریزی درسی، مشهد: پیام اندیشه، ۱۳۸۱
- ۹- رینر. کیس، پولاچک. الکساندر، روانشناسی خواندن، مترجم: کیوانی. مجدالدین، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸
- ۱۰- صلح جو. علی، گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷
- ۱۱- دنی. استاینبرگ، درآمدی بر روانشناسی زبان، مترجم: گلنم. ارسلان، تهران: سمت، ۱۳۸۱
- ۱۲- میشل هو، روش های مطالعه و یادگیری، مترجم: قانیدی. یحیی، تهران: دواوین، ۱۳۸۱
- ۱۳- سیف. علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، تهران: دوران، ۱۳۸۱
- ۱۴- سروش. عبدالحمید، مدیریت زمان، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۸
- ۱۵- برادبری. گریوز، تراویس و جین، هوش هیجانی، مترجم: گنجی. مهدی، چاپ اول، تهران: نشر ساوالان، ۱۳۸۴
- ۱۶- حمیدی زاده. محمدرضا، تصمیم گیری هوشمند و خلاق هوش هیجانی، تهران: نشر ترمه، ۱۳۸۶
- ۱۷- دلجو. شریعت، شیوه های یادگیری و مطالعه، تهران: نشر سپهر سخن، ۱۳۸۵
- ۱۸- طوسی. بهرام، مهارت های مطالعه، مشهد: نشر تابران، ۱۳۸۲.
- ۱۹- کمپ بل. فرانک، سینگر. جورج، مغز و رفتار زیست شناسی در زندگی روزمره، ترجمه: باطنی. محمدرضا، تهران: فرهنگ معاصر
- ۲۰- صفوی. کوروش، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سور، مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۳
- ۲۱- اچ. داگلاس براون، اصول یادگیری و آموزش زبان، مترجم: دکتر فهیم. منصور، تهران: راهنما، ۱۳۷۸
- ۲۲- زندگی. بهمن، اصول و مبانی برنامه ریزی درسی آموزش زبان فارسی، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
- ۲۳- جهانگیری. نادر، زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه، تهران: آگاه، ۱۳۸۷
- ۲۴- نمره. یدالله، آواشناسی زبان فارسی؛ آواها و ساخت آوایی ها (ویرایش دوم)، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳.



۲۵- صافی. احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۰.

منابع لاتین؛

- 26- [www.ncls.org](http://www.ncls.org)
- 27- [tebyan.net/social](http://tebyan.net/social)
- 28- [successconsciousness.com](http://successconsciousness.com)
- 29- [www.sevenstrategiestoreading-writtenby:k.p.baldridye](http://www.sevenstrategiestoreading-writtenby:k.p.baldridye)
- 30- Bradbeery, Greaves. Travis, Jeen. (2005) Theemotinal intelligence quick hook
- 31- Grooss, J. Jand John. O.P.(2002) wis emotional regulation newyork the Guilford press
- 32- Cognitive Psychology Michaelw Eysenck (2002)
- 33- <http://www.jamee-psy.com> انجمن روانشناسی ایران
- 34- [www.selfgrowth.com/psychology.htm](http://www.selfgrowth.com/psychology.htm)
- 35- [www.qca.org.uk/ca/foundation/planingfor](http://www.qca.org.uk/ca/foundation/planingfor)
- 36- <http://clas.uft.edu/users/gthursby/psi/journals.htm>
- 37- <http://psychtest.com>